

بررسی ویژگی‌های زبانی شعر ناب کودک در اشعار رحماندوست*

دکتر محمود صادق‌زاده^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

مریم زارع بیدکی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

چکیده:

پژوهشگران و صاحب‌نظران برای شعر ناب کودک امتیازات و مختصات قائل هستند که بعضی از شاعران کودک با ویژگی‌های سبکی خود، پیش و کم بدان نزدیک شده‌اند. بررسی آثار شاعران کودک، برای تشخیص بیشتر این گونه شعر و تعیین جایگاه شعری آنان بسیار اهمیت دارد.

در این جستار به شیوه توصیفی-تحلیلی سعی شده ضمن معرفی مختصات شعر ناب کودک، به بررسی و ارزیابی کمی جایگاه اشعار رحماندوست در این زمینه پرداخته شود. بدین منظور ابتدا به شناخت نیازها و امکانات زبانی کودک برای آفرینش شعر ناب کودک توجه و سپس جلوه‌های شعر ناب از جنبه‌های زبانی، تصاویر شعری، موسیقی کلام، هنجارگریزی‌های سبکی و مضمون‌ها در مهم‌ترین اشعار رحماندوست کند و کاو و بررسی شده است.

براساس یافته‌های این پژوهش، در شعر ناب کودک از عناصر شاعرانه با محدودیت‌های زبانی خاصی بهره گرفته می‌شود. کودکان امکانات زبانی ساده و ناقصی دارند. این امکانات بیشتر بر اساس تفکر «خود میان بین» کودک قابل توجه است و شامل کاربرد صفت کلی خوب، عدم درک علت و معلول، قیاس نامعقول، تک‌گویی، پرش ذهنی، تفکر شهودی، لذت از تکرارها، عدم درک اسم معنا و... می‌شود. اصلی‌ترین ضرورت‌ها و مقوله‌های شعر ناب کودک نیز عبارتند از: شادی، فانتزی، بازی‌های زبانی، زبان طنز، زبان گفتار، واقع‌گرایی، مضامین ملموس، ترجیح لذت بر آموزش و ترجیح تخیل بر تعقل. واژگان کلیدی: شعر ناب، شعر کودک، امکانات زبانی، هنجارگریزی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱/۳۰

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: sdeghzadeh@iavyazd.ac.ir

۱- مقدمه

منشأ این پژوهش بر این عقیده شکل گرفته که کودکان ایرانی مانند بقیه افراد این سرزمین دارای ذوق سلیم و مستقل هستند و حق دارند اشعار زیبا و مخصوص به خود داشته باشند. شعر ناب کودک در وهله اول باید شعریت خود را حفظ کند و عناصر اصلی یک شعر یعنی: وزن، درونمایه، خیال، ساختار و زبان شاعرانه را داشته باشد. در مرحله دوم، معیارهای خاص شعر کودک در آن به رسمیت شناخته شود. این معیارها و وجوه تمایز شعر کودک و بزرگسال به عنوان دو عامل بسیار مهم در این پژوهش بررسی شد. اولین عامل طبیعی، همسویی شعر کودک با امکانات فکری-زبانی کودک و دومین عامل، تناسب شعر با نیازهای کودک امروز ایرانی است. نیازهایی که لازم است شاعر متعهد کودک در جایگاه شعر به آنها فرصت نمایان شدن دهد.

بنابراین سرودن شعر برای کودک، کار هر شاعری نیست و سرودن آن ساده نخواهد بود؛ بلکه حتی نیاز به بینش روان‌شناسی و کسب مهارت‌های کلامی کودکانه دارد. لازمه بهره‌گیری از اینها هم ارتباط شاعر با دنیای کودکی خودش و از طرفی، هم‌صحبتی با کودکان ایرانی است. خلاصه، شعر ناب کودک از لحاظ هنری چیزی از شعر بزرگسال کم ندارد، ولی چون تفکر ناقص کودکانه بر آن احاطه دارد، لازم است، امکانات زبانی یا همان نارسایی‌های فکری کودک از یک طرف و از طرف دیگر نیازهای کودک امروز در آن مورد توجه قرار گیرد. کودک امکانات زبانی ساده و ناقصی دارد. شاعر کودک باید از این امکانات به‌عنوان ابزار بیان استفاده کند و نیازهای خاص کودکان را هم در نظر بگیرد پس منظور از «زبان کودکانه» در شعر کودک، کنار هم چیدن تعدادی واژه کودکانه نیست بلکه «رفتار تازه زبان» بر اساس تفکر کودکانه است که به خلق زبان کودکانه منجر می‌شود. این زبان ویژه، انعکاس‌دهنده ذهنیت، جهان و رفتار کودکانه است که در ابتدا کاملاً «خودمیان‌بین» است. اغلب ویژگی‌های زبانی کودک مانند: استدالات ناقص، تکرارها، تک‌گویی‌ها، پرش‌های ذهنی، شروع بدون مقدمه و... معلول تفکر «خودمیان‌بین» کودک است و در اشعار ناب کودک نمود

گسترده‌ای دارد. البته این امکانات یا به عبارتی نارسایی‌های زبانی که در واقع جزو محدودیت‌های شعر کودک محسوب می‌شود، به‌عنوان ابزارهای زبانی در ساختار شعر کودک قابل توجیه است و جنبه هنری به شعر کودکانه می‌دهد.

با دگرگونی‌هایی که در شعر به‌وجود آمده‌است برخی شاعران به سبک‌های خاص نزدیک شده‌اند. یکی از این سبک‌ها «شعر ناب» (pure poetry) است که شاخه‌ای جدید از «موج نو» محسوب می‌شود و هوشنگ چالنگی آن را بنیان نهاد. این اصطلاح را ابتدا شاعر فرانسوی «شارل بودلر» در سال ۱۸۵۷ م. درباره اشعار ادگار آلن پو شاعر آمریکایی به‌کار برد. (طاووسی آرانی، ۱۳۸۳، ص ۵۱) در شعر ناب (شعر محض یا سره) هدف شعر همان ذات شعر است. زبان در این شعر همانند اصوات در موسیقی، ابزار انتقال مستقیم معنی نیست. بلکه باید القای لذت کند. قدیم‌ترین اندیشمندانی که در زبان فارسی تا حدی به این ویژگی شعر توجه کرده‌اند، امام محمدغزالی و عین‌القضات همدانی (چناری، ۱۳۷۵، ص ۲۵) هستند. همچنین از میان شاعران کلاسیک فارسی، شاعران سبک خراسانی با این نوع شعر مشترکاتی دارند. آنها از «تصویر و تصرفات خیالی هیچ قصدی جز نفس این‌کار نداشتند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۵۰۲) مشخصه‌های شعر ناب را از طریق یادداشت‌های منوچهر آتشی بر اشعار شاعران شعر ناب این‌گونه می‌توان دریافت:

در آن، سخن از تجربه‌های ملموس زندگی است، قواعد و اصول شعری در هم می‌ریزد، تخیلی بودن، شعر را به سوررئالیسم نزدیک می‌کند، شاعران شعر ناب معتقدند مخاطب خود را می‌شناسند. سیدعلی صالحی از جمله طرفداران شعر ناب معاصر محسوب می‌شود که مخاطبان بیشتری نسبت به بقیه دارد. ویژگی‌های اشعار او شامل کاربرد زبان گفتار و محاوره، ساخت ترکیبات جدید، کاربرد ترکیبات متناقض و بازی با کلمات است. (طاووسی آرانی، ۱۳۷۵، صص ۵۲-۵۱) به‌نظر می‌رسد اشعار کودک ظرفیت زیادی دارد تا از نظر سبک و شیوه زبانی به عرصه شعر ناب نزدیک شود. در زندگی کودک هنر و بازی هم‌سنخ هستند. با این منطق، هنر، بازی و کودک سه زاویه یک

مثلاً هستند. پس شعر کودک می‌تواند نوعی هنر باشد. به عبارتی لازم است، به‌خودی‌خود، هنر محض در شعر کودک دیده شود. در این صورت «ادبیات کودک نوعی ادبیات ناب» محسوب خواهد شد. (حجوانی، ۱۳۸۶، ص ۴۷) متأسفانه یکی از مهمترین آسیب‌های شعر کودک، عدم ارتباط واقعی آن با مخاطبان خود است. (علی پور، ۱۳۷۹، ص ۵۵) مخاطبانی که دنیایشان بیش از دنیای بزرگترها با آزادی، بازی و تخیل عجین شده است. (حجوانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷)

۱-۱- اهمیت و بیان مسأله تحقیق: در بررسی نسبی اشعار کودک، برای هر صاحب ذوقی روشن می‌شود که شاخص‌های سبکی این اشعار در حوزه زبان با سبک‌های مختلف اشعار بزرگسال تفاوت زیادی دارد و دارای ساختار زبانی خاصی است. ولی متأسفانه در ایران کارهای پژوهشی کمی در زمینه ساختار ویژه زبان شعر کودک انجام شده است و این امر باعث شده قابلیت‌ها و حتی ضعف‌های شعر کودک دیده نشود. در این پژوهش سعی شده با تحلیل و بررسی نسبی و آماری گامی کوتاه در جهت تعالی شعر کودک برداشته و برخی شاخص‌های زبانی و نیازهای قابل توجه در شعر کودک برشمرده شود. شاید با رویکرد علمی، عرصه شعر کودک از نظم‌های مبتذل پیراسته شود و حلاوت شعر فارسی بر مذاق کودکان فارسی زبان، خوش نشیند.

۲-۱- پیشینه تحقیق: منابع در این زمینه چندان پر بار نیست. منابعی مانند «ادبیات کودکان» تألیف علی اکبر شعاری نژاد (۱۳۵۲)، کتاب «ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن» تألیف ثریا قزل ایاغ (۱۳۸۳) و «زبان و ادبیات کودک و نوجوان» تألیف محمود فضیلت (۱۳۸۶) همه، بسیار گذرا به مقوله زبان شعر کودک پرداخته‌اند. البته کتاب «از این باغ شرقی» نوشته پروین سلاجقه (۱۳۸۵) منبعی تخصصی‌تر درباره ادبیات کودک محسوب می‌شود. کتاب «شعر و کودکی» نوشته قیصر امین‌پور (۱۳۸۶) نمود افکار کودکان را در اشعار بزرگسال بررسی کرده است.

لازم است در شعر کودک «تفکر و زبان کودکانه» حاکم باشد، نه بزرگسال. توجه به این ویژگی، موضوعی مهم است. نگارندگان تلاش کرده‌اند، بخشی از تفکرات کودکانه را با توجه به شاخص‌هایی که در کتاب «شعر و کودکی» یاد شده تفسیر کنند. تا جایی که نگارندگان بررسی کرده‌اند مقاله «زبان و تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان» نوشته مریم شریف‌نوب (۱۳۸۱) از معدود مقاله‌هایی است که به بررسی زبانی شعر کودک پرداخته است. مبنای این پژوهش بیشتر بر اساس دو عقیده شکل گرفته است:

الف - اسدالله شعبانی شعر کودک را تقریباً کامل معرفی کرده است. به نظر او «شعر کودک در درجه اول شعر است، سپس متناسب با سطح نیازها و امکانات کودکان» (صادقیان و شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰) براین اساس امکانات زبانی و نیازهای کودک، اصلی‌ترین وجه تمایز شعر کودک با بزرگسالان است که در پژوهش مورد نظر سعی شده تا حدی زوایای پنهان و پیدای «نیازها» و «امکانات زبانی» کودک مورد توجه قرار گیرد.

ب - مصطفی رحماندوست شعر کودک معاصر را به چهار شکل عمده آموزشی، ریتمیک، قصه منظوم و شعر ناب تقسیم می‌کند. به نظر او شعر ناب از سه قسم دیگر با ارزش‌تر است. زیرا در اصول با شعر بزرگسال تفاوتی ندارد. بجز آنکه شاعر کودک همه چیز را از زاویه دید کودک می‌نگرد و از نظر سوژه، زبان و ... ویژگی‌های سنی مخاطبش را در نظر می‌گیرد، (علی ارمان، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲) ذوق هنری و تخیل کودک را پرورانده و به بهترین وجه زبان‌آموزی می‌کند. البته به شعر ناب کودک، شعر راستین هم گفته‌اند. (صادقیان و شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹) عناصر سازنده آن در وهله اول شامل: خیال (Image)، فرم (Form)، زبان (Language)، وزن (rhythm) و اندیشه یا درونمایه (theme) است و در وهله دوم در آن، امکانات یا تفکر کودکانه و نیازهای کودک به رسمیت شناخته می‌شود. در این پژوهش سعی شده بررسی‌ها در زمینه پرورش این نوع شعر (شعر ناب) انجام شود.

۳-۱- روش کار: در توصیف ویژگی‌های اصطلاح «شعر ناب» بیشتر از دیدگاه‌های رحماندوست استفاده شده است؛ او از پیش‌کسوتان شعر معاصر کودک محسوب می‌شود و جایگاه او در این عرصه به حدی است که گاه اشعارش تبدیل به کلیشه‌های شعری و خودش هم نماد شعر کودک شده است. در میان آثار پرشمار او، تعداد اشعار ماندگار قابل توجه است. اشعاری که کودکان با آن ارتباط صمیمانه برقرار کرده‌اند. به همین دلیل بخشی از مجموعه شعرهای وی انتخاب و جایگاه آنها در زمینه رعایت یا عدم رعایت شاخص‌های شعر ناب کودک بررسی شده است. ضمناً اشعار مورد نظر از گروه سنی «الف» و «ب» گزینش شده است. منابع شعری بدین گونه است:

برگزیده شعر کودکان (۱۳۷۱)، گروه شاعران، چکّه چکّه‌اش (۱۳۷۲)، گروه شاعران، من غنچه شد (۱۳۶۶)، گروه شاعران، هیچ هیچ هیچان (۱۳۸۹)، گروه شاعران، ترانه‌های مامانی (۱۳۸۸)، گروه شاعران، شعر دعا (۱۳۸۵)، گروه شاعران، بازی، بازی (۱۳۸۵)، گروه شاعران، ترانه‌های خواب و خیال (۱۳۸۵)، گروه شاعران، آسمان هنوز آبی است (۱۳۸۹)، رحماندوست، مصطفی، اون چیه که اون کیه که (۱۳۸۶)، همو، بابا آمد نان آورد (۱۳۷۸)، همو، پرنده گفت به به (۱۳۸۴)، همو، کتاب‌های مهتاب، ترانه‌های ایمنی (۱۳۸۵)، همو، رانه‌های نوازش (۱۳۸۵)، همو، دوستی شیرین است (۱۳۸۱)، همو، چ ۵، صدای ساز می‌آید (۱۳۷۹)، همو، فصل بهار بنویس (۱۳۷۹)، همو، ماست و خروس و کدخدا (۱۳۸۹)، همو، من کجا و زور کجا (۱۳۸۶)، همو، سگی بود و جنگلی بود (۱۳۷۵)، همو، هر پرنده قصه‌ای است (۱۳۶۹)، همو.

در این پژوهش ابتدا زوایای مختلف امکانات زبانی و تفکرات کودکان در کتاب «شعر و کودکی» و سپس نیازهای شاخص کودک معاصر با توجه به منابع پراکنده در نظر گرفته شد. در مرحله بعد، اشعار مورد نظر جمع‌آوری و مطالعه شد و نمود برخی مختصات فکری کودکان و نیازهای شاخصی که در اشعار مورد بررسی یافت شد، به عنوان شاهد مثال ذکر گردید. در بررسی برخی گزینه‌ها هم بسامد یک گروه از واژگان مرتبط با گزینه مورد نظر، به صورت آماری و قابل تحلیل در جدول فراوانی قرار

گرفت. البته در بررسی اشعار، برخی شاخص‌های زبانی یافت نشد و در این پژوهش ذکر نشد. براین اساس ادعای این پژوهش یافتن برخی کلیشه‌های سبکی یک شاعر خاص نیست؛ بلکه شناخت عالمانه شاخص‌های شعر ناب کودک در اشعار یکی از شاعران معاصر کودک است.

۲- بحث

۱-۲- نیازهای کودک: قطعاً منظور از این بحث، نیازهای لازم برای تقویت جنبه هنری شعر کودک است که توجه به آنها از مهمترین معیارهای شعر موفّق کودک است.

۲-۲- هیجان انگیزی: هیجان جزو تفکیک‌ناپذیر زندگی روزمره کودک امروز شده است. فقدان این نیاز، امروزه در ادبیات کودک، بیشتر حس می‌شود و لازم است هیجان‌های سالم متناسب با گروه سنی کودک در ضمن مضامین اشعار بیان شود. حتی هیجان ترس را هم «شاعران بزرگ می‌توانند با ترتیب حوادث پدید آورند.» (زرین‌کوب، ۱۳۵۷، ص ۱۳۵) در اشعار مورد نظر نمونه شاخصی یافت نشد.

۳-۲- شادی آفرینی: با شگردهای گوناگون می‌توان اشعار شاد کودکانه سرود. از جمله؛ شاد بودن شخصیت‌ها، ورود زبان طنز، توجه به تجربیات ملموس، بازی، کاربرد هجاهای کوتاه و ... گاهی رفتار خاص زبان در شعر، نوعی شادی کودکانه را ایجاد می‌کند که القاء‌کننده مفاخره کودکانه است؛ مانند شعر زیر: مینا تو بشو مادر / مهدی تو بشو بابا / من دخترتان باشم / یک دخترک زیبا / ... آن چادر مشکی هم / دیوار و در خانه / ... قفل کمد مامان / زنگ درمان باشد / بابا تو بگو دیر است / برخیز و برو بازار / ... (به نقل از: سلاجقه، ۱۳۸۵، ص ۳۳۰) فراوانی واژگان مربوط به حالت «شادی» و واژگان مربوط به «غم» بررسی و گروه وابسته‌های هر واژه بدین صورت یافت شد: خنده: خندان، لبخند / گریه: اشک، گریان / شادی: خوشحال، شادمانه، دلشاد، شنگول، شور و لذت و نشاط / غم: غمگین، اندوه، غصه، بغض، ناله، نالان / مردن: پژمرده، کشتن، انواع مختلف فعل مردن / زندگی: زنده بودن، جان گرفتن، جان بخشیدن و...

نکته مثبت در این بررسی این‌که: واژه «خنده» و وابسته‌های آن حدود سه برابر، بیشتر از «گریه» به کار برده شده و نکته منفی این‌که «غم» و مترادف‌های آن را بیشتر از «شادی» و وابسته‌های آن استفاده کرده است و واژگان حوزه «مردن»، پنجاه درصد بیشتر از واژه «زندگی» و مترادف‌های آن یافت شد.

جدول (۱): برخی واژگان حوزه شادی و غم

ردیف	واژه	تعداد کتاب‌های بررسی شده	فراوانی
۱	خنده و وابسته‌ها	۲۲	۹۰
۲	گریه و وابسته‌ها	۲۲	۲۹
۳	شادی و وابسته‌ها	۲۲	۴۹
۴	غم و مترادفها	۲۲	۶۱
۵	مردن و مترادفها	۲۲	۳۱
۶	زندگی و مترادفها	۲۲	۱۵

۲-۴- طنز کودکانه: «متأسفانه اشعار کودک در ایران بیش از اندازه جدی ... است.» (قرنل ایبغ، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶) این ورکوپه، باغه/اون ورکوپه باغه / باغ آقاکلاغه/ که همسایه ش الاغه.../صابون کجاست؟ تو باغه/ توزنبیل الاغه(رحماندوست، هیچ هیچ هیچانه، ۱۳۸۹، ص ۷۳) در این اشعار پریشان طنز بکر کودکانه می‌درخشد. یا مانند: چاقو رو موشه برده/ باهاش پنیر بریده/ رو نون گذاشته خورده.../ با لبه تیز خودش/ خربزه رو ماچ کنه، کی بود؟ چی بود؟/ ... سوزن ور پریده.../ داشته لباس می - دوخته/ اما تو بازی سوخته.../ کارها رو قاتی کرده.../ روده درازی کرده.../ دماغو ببین انگاری جوی آبه(رحماندوست، ترانه ایمنی، ۱۳۷۸، ص ۱۳) بازی زبانی، برجسته‌سازی (انتساب فعل «ماچ کردن» برای «لبه تیز چاقو»)، زبان عامیانه(مانند: ولو شدن، ماچ کردن، روده‌درازی) و اغراق در «دماغو ببین انگاری جوی آبه» زبان را طنزآلود کرده است. فراوانی شخصیت‌های طنزآلود «کلاغ»، «الاغ»، «خروس» در برخی اشعار بررسی شد.

جدول (۲): فراوانی برخی شخصیت‌های طنزآلود

فراوانی	تعداد کتاب مورد بررسی	واژه	ردیف
۵۱	۷	خروس	۱
۱	۷	کلاغ	۲
۱	۷	الاغ	۳

۲-۵- فانتزی: این پدیده «ابعاد جدید و نامنتظری از واقعیت را بیان می‌کند.» (میرصادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۰) گاه تصور می‌شود، پناه‌بردن به فانتزی کودک را از واقعیت دور می‌کند، درحالی‌که این دنیای فانتزی به آنها نیرو می‌دهد تا «تنوع در محدوده قوانین را بیاموزند و ذهنشان را روی امکانات نو بگشایند.» (محمدی، ۱۳۷۸، صص ۱۳۶-۱۳۵) فانتزی طبقه‌بندی‌های متنوعی دارد؛ مانند کوتوله‌ها، گول‌ها و... مانند دو نمونه زیر که گول و پری شخصیت‌های فانتزی آن هستند و شاعر از شیشه و حوض آب که لوازم داستانی این دو شخصیت هستند، بهره برده است: گلابُ بده به غوله / غوله می‌شه کوتوله / غولُ توشیشه خواب کن... (رحماندوست، هیچ هیچ هیچانه، ۱۳۸۹، ص ۳۶) گاهی شخصیت‌های فانتزی اسامی مهمل دارند؛ الک و دولک دویدند / تو قصه‌ها پریدند / تو قصه‌های بازی / الا کلنگ رو دیدند. (همان، ص ۴۵)

۲-۶- بازی: بازی‌های تمرینی کودک صرفاً برای لذت است. مانند تقلید صداهای محیط مثل دام دام و... در ادبیات کودک بازی می‌تواند مانند یک روش عمل کند.

۲-۶-۱- بازی‌های زبانی: شاخص‌ترین اشعاری که مبنای ساخت آن بر بازی زبانی است هیچانه‌ها (nonsense verse) هستند. «شاعر در هیچانه از بازی‌های واژگانی، فرم‌دادن به ساختار زبان، بازی با قافیه‌ها و تکیه بر اصوات و آواها بهره می‌برد. او با این کار از توجه به معنا می‌کاهد.» (موسویان، ۱۳۹۰، صص ۵۶-۵۳) کاربرد گروهی از بازی‌های کلامی به عنوان لذت از تکرار در این پژوهش بررسی شد. فراوانی واژه بازی

در اشعار مورد نظر بیانگر آگاهی شاعر به ضرورت بازی و نیاز کودکان، است و در حد نسبتاً زیادی از آن بهره برده است.

جدول (۳): فراوانی واژه بازی

ردیف	واژه	تعداد کتاب بررسی شده	فراوانی
۱	بازی	۱۹	۳۱

۷-۲- مضامین ملموس: کودک، جهان را به گونه‌ای که تجربه کرده، درک می‌کند. برای سنجش میزان توجه شاعر به اشیای تجربه شده کودک واژه «عروسک» به عنوان نمونه انتخاب و فراوانی آن در نمونه اشعار مورد نظر بررسی شد.

این کلمه برای همه کودکان جهان ملموس و آشناست و «قابلیت‌های روایی زیادی در اشعار کودک دارد.» (بهداد، ۱۳۸۵، صص ۶۱-۶۰) با توجه به این بررسی، شاعر به واژه «عروسک» توجه نشان داده است. البته استثنائاتی هم وجود دارد که شاعر بر حسب شرایط می‌تواند از تجارب جدید و عناصر ناآشنا بهره بگیرد که در این صورت ضرورت دارد با شگردهایی مانند: زبان طنز، شادی‌آفرینی و برانگیختن حس کنجکاوی و... شعر را برای کودک جذاب کند.

جدول (۴): فراوانی واژه «عروسک»

ردیف	واژه	تعداد کتاب بررسی شده	فراوانی
۱	عروسک	۱۸	۱۶

۸-۲- توجه به عناصر بومی: اصطلاحات بومی هر منطقه تصویری زنده از آن منطقه می‌آفریند برخی عناصر بومی- فرهنگی ایران شامل موارد زیر است: لحاف (لحاف ماه)، دامن چین‌چین، کوزه، خانه تکانی، سفره هفت سین، سمنو، سفره قلم کار، عیدی، کرسی و

یا در این شعر: خانه‌ام چاه و در و دیوار داشت / پشت بام و پله و انبار داشت / با صدف یک حوض کوچک ساختم / چند ماهی توی آن انداختم (رحماندوست، فصل بهار بنویس، ۱۳۷۹، ص ۳۳) یادآور سبک معماری نه چندان قدیم ایران است. کاربرد واژگان دریا، قایق، موج، ماهی، ماهیگیر، قلاب، اسکله، در اشعار مورد بررسی نسبتاً گسترده و یادآور منطقه جنوب ایران است یا عناصر طبیعی شب‌نم، باغ، گل، غنچه، چلچله، پونه، لحاف، کرسی، تصویر روستا را تداعی می‌کنند. بسامد واژه‌های باغ، گل، بهار و غنچه به صورت آماری بررسی شد. واژگان «شکوفه» و «جوانه» به عنوان وابسته‌های «غنچه» و «بهاران» و «نوبهار» هم در گروه «بهار» بررسی شد. کلمه‌های گلدار، گلبرگ، گلخانه، گلدان، گلباران و گلبوته در گروه «گل» و باغچه و باغبان هم به عنوان وابسته‌های «باغ» در یک گروه بررسی و معلوم شد، شاعر به واژه گل و ترکیب‌های آن تمایل زیادی دارد.

جدول (۵): فراوانی واژگان باغ، گل، بهار و غنچه و برخی مشتقات آنها

ردیف	واژه	تعداد کتاب بررسی شده	فراوانی
۱	باغ و مترادف‌ها	۱۹	۴۲
۲	گل و مترادف‌ها	۲۲	۱۶۷
۳	بهار و مترادف‌ها	۲۲	۱۵
۴	غنچه و مترادف‌ها	۲۲	۲۷

۲-۹- واقع‌گرایی: بنیاد شعر کودک بر پارادوکس‌های زیبایی بنا شده است؛ یکی از آنها تخیلی-واقع‌گرایی بودن آن است. کودک اکثر وقت‌ها تضاد خیال و دنیای واقعی را درک کرده و این تضاد برایش مایوس‌کننده نخواهد بود: با صدف یک حوض کوچک ساختم / چند ماهی توی آن انداختم / ... ناگهان دیدم که در هم ریخت موج / حوض و بام و پله را آمیخت موج / خانه زیبای من را آب برد / آرزوهای مرا سیلاب

برد(رحماندوست، فصل بهار بنویس، ۱۳۷۹، ص ۳۳) این شعر نمونه خوبی از واقع-گرایی است؛ امتحان نزدیک است/درس من بسیار است.../مادرم بیمار است.../عمه باما قهر است.../مادرم می نالد/درس خود را خواندی.../امتحان، مادر، قهر/درس، دردی دیگر(همو، پرنده گفت به به، ۱۳۸۴، ص ۵) جلوه دیگر واقع گرایی، امروزی بودن آن است. در شعر «واکسی» واقعیت اجتماعی کلان شهرها، صمیمانه ترسیم می شود: بچه های مثل من توی کلاس/شاید اکنون جمله سازی می کنند/شاید الان زنگ تفریح است وباز/بچه ها با برف بازی می کنند.(رحماندوست، آسمان هنوز آبی است، ۱۳۸۹، ص ۱۴)

۲-۱۰- ترجیح لذت بر آموزش: اصلی ترین رکن شعر کودک ایجاد لذت است. متأسفانه ابزاری نگاه کردن به شعر کودک و محتوای (theme) آموزشی کلیشه ای از آسیب های جدی شعر کودک در ایران محسوب می شود. فیلترهای هنری که مفاهیم آموزشی باید از آن عبور داده شود، می تواند شامل تمام مواردی باشد که در این پژوهش زیر عنوان امکانات زبانی و نیازهای کودک مطرح شد. پیام آموزشی «باید به قدری پنهان و هنرمندانه القا شود که اصل لذت و شور و شغف مخاطب رعایت شود.» (حجازی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸) مامان من خوشگله، مثل ماهه/یه گوله نور توی شب سیاهه /اگر نباشه خونه سوت و کوره/سیاهه شب/خنده از اینجا دوره/وقتی باشه خورشید خونه ماست/خنده کجاست؟ روی لبای باباست(رحماندوست، ترانه های مامانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶) در شعر فوق از تشبیه ساده، تضاد، عبارت عامیان، سوت و کور، زبان گفتار، رعایت اصل «خودمیان بینی» در «مامان من»، رعایت عدم درک اسم معنا در مورد واژه «خنده» و تکرار مصوت بلند (او) شعر را لذت بخش کرده است.

۲-۱۱- ترجیح تخیل (Image) بر تعقل: «در کودک تفکر عین تخیل است.» (امین پور، ۱۳۸۶، ص ۸۸) هیچانه ها نمونه های قوی در این مورد هستند: الک و دولک دویندند/تو قصه ها پریدند/تو قصه های بازی/الکلنگ و دیدند/الکلنگ و بردار/رسیدی به کوه نگه دار(رحماندوست، هیچ هیچ هیچانه، ۱۳۸۹، ص ۴۴) با این که کودکان «قدرت و گستره خیال وسیعی دارند، ولی مبنای این خیال، تجربه واقعی

آنهاست.» (سیدآبادی، ۱۳۸۵، صص ۲-۴) در شعر زیر از عناصر تجربه شده کودک بندری استفاده شده است: آن ستاره‌ها، ماهی / ابر، موج دریا بود / راه کهکشان در پیش / ماه قایق ما بود. (همو، پرنده گفت به به، ۱۳۸۴، ص ۱۱)

جدول (۶): فراوانی گروهی از واژگان مربوط به تخیل

ردیف	واژه	تعداد کتاب‌های بررسی شده	فراوانی
۱	کاشکی	۱۹	۱۶
۲	آرزو	۱۹	۳
۳	خیال و وابسته‌ها	۱۹	۹
۴	لالا	۱۹	۴۷

در اشعار مورد بررسی بسامد واژه «لالا» بیشتر از کلّ واژه‌هاست. بر این اساس اغراق نیست اگر او را شاعر لالایی‌ها بنامیم. فراوانی کلمه کاشکی که بیانگر وجه تمثایی و بیان آرزوست، در حدّ متوسط یافت شد.

۲-۱۲- ترجیح زبان گفتار: خوشبختانه در ادبیات کودک زبان واقعی همان زبان گفتار است و در شعر کودک هم نمود گسترده‌ای دارد. به طوری که بیشترین اشعار گروه سنی الف به صورت گفتاری است؛ آتیش به پنبه افتاد / چه روزی؟ روز شنبه / آتیش نگو یه لولو / ... کلاه لولودود می‌کنه / پنبه رو نابود می‌کنه (رحماندوست، هیچ هیچ هیچچانه، ۱۳۸۹، ص ۴۷) فرشته خواب... / پر زد و مهمونم شد / مهمون چشمونم شد (همو، ترانه‌های خواب و خیال، ۱۳۸۸، ص ۸) در دو نمونه اخیر زبان گفتار آسیبی به زبان تصویری و شاعرانه نزده است. البته زبان گفتار باید تا پایان شعر انسجام خود را حفظ کند و رنگ ابتدال نگیرد. استفاده از زبان گفتار و نوشتار با گروه سنی مخاطب رابطه مستقیم دارد. از میان ۲۷ کتاب شعر (کتب مشترک و کتب مستقل مورد بررسی) ده کتاب شعر به زبان گفتار سروده شده که همه این اشعار هم برای گروه سنی «الف» و «ب» سروده شده است.

۳- امکانات زبانی کودک: کودک در یادگیری زبان معمولاً از قاعده‌های کم دامنه بهره می‌برد و «برای پردازش اطلاعات زبانی با قواعد ویژه خود فرضیه‌های پیاپی» می‌سازد. (فضیلت، ۱۳۸۶، صص ۲۳-۲۴) پس کاربرد جملات کوتاه و بی‌معنی کودکان با این دیدگاه قابل توجیه است و بهره‌گیری از این ویژگی گفتاری در اشعار کودکان ضروری است. امین‌پور ریشه اصلی شاخه‌های تفکر کودکان را «خودمیان‌بینی» (امین‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۰) بیان می‌کند: مامان من خوشگله مثل ماهه / ... وقتی باشه خورشید خونه ماست... (رحماندوست، ترانه‌های مامانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹)؛ این و جو دویدم / اون و جو دویدم / از روی آب پریدم / ... / شکر خدا که می‌پریم / خودمو رو پاهای خودم / اینجا و اونجا می‌برم (همو، بازی بازی بازی، ۱۳۸۵، ص ۲۴) در این اشعار ضمیر اول شخص من، ما و ضمیر اول شخص ملکی «خودم» پررنگ است که نشان‌دهنده توجه شاعربه نوع تفکر کودکان است. تقریباً اغلب شیوه‌های فکری کودکان حول همین ویژگی بیان شده است. گروهی از این شیوه‌ها در اشعار مورد بررسی یافت شد.

۳-۱- توصیف چیزها با صفت کلی «خوب»: کودک تمایل دارد هر چیز را با صفت کلی خوب توصیف کند. این ویژگی می‌تواند در ترکیب‌سازی شعر کودک به کار رود. در اشعار مورد نظر، نمونه‌های نسبتاً زیادی یافت شد: شاخه‌ها برایشان / هست جای خوب خواب (رحماندوست، هر پرنده قصه‌ای است، ۱۳۶۹، ص ۱۱)، به فصل خوب پاییز / سلام سلام بسیار (همو، بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، ص ۱۳)؛ رفت تا که آب بیاورد / کنار سفره بنشیند / غذای خوبی بخورد (همو، ماست و خروس و کدخدا، ۱۳۸۹، ص ۶)، شیر و سرشیر آورد / سفره خوبی چید. (همو، دوستی شیرین است، ۱۳۷۲، ص ۱۰) با توجه به این‌که فراوانی برخی واژه‌ها در کنار متضادشان بهتر سنجیده می‌شود، بسامد گروهی از واژگان کلی و متضاد به صورت آماری در نمونه اشعار مورد نظر بررسی شد. جدول (۷): فراوانی و مقایسه واژگان کلی و متضاد در نمونه اشعار مورد بررسی

ردیف	واژه	تعداد کتاب‌های بررسی شده	فراوانی
۱	خوب	۲۱	۴۱

ردیف	واژه	تعداد کتاب‌های بررسی شده	فراوانی
۲	بد	۲۱	۷
۳	خوش و ترکیبات آن	۲۱	۲۵
۴	زیبا و مترادف‌ها	۲۱	۸۳
۵	زشت	۲۱	۱۴

در جدول بالا بسامد صفت‌های «خوب و بد»، «خوش» و وابسته‌های واژه «خوش»، صفات زیبا و زشت و وابسته‌های واژه «زیبا» در ۲۱ کتاب شعر ایشان بررسی شده است. در این بررسی معلوم شد، رویکرد شاعر به صفت کلی «خوب» نسبت به واژه متضادش قابل توجه و با شیوه تفکر کودکانه همسویی دارد.

۲-۳- عدم درک ارتباط علت و معلول: کودک (گروه سنی الف) زاویه دید مخاطب را درک نمی‌کند. به همین دلیل نمی‌تواند از واژه «چون» به‌طور منطقی استفاده کند؛ مثلاً در جمله «او از دوچرخه افتاد چون...» کودک نمی‌تواند پایان درستی بیاورد و پیشامدی را جانشین علت می‌کند و مثلاً می‌گوید: او از دوچرخه افتاد چون دستش شکست. همچنین در این اشعار: دست و صورتش را گل / شسته بود و خوشبو بود / چونکه قطره شبنم / روی صورت او بود (رحماندوست، فصل بهار بنویس، ۱۳۷۹، ص ۲۷) قیاسی که شاعر در مصراع سوم می‌کند، نمی‌تواند دلیل واقعی دو مصراع ابتدایی باشد. ولی در این بیت، زبان شعر کودکانه نیست: تا صبح دیشب / بیدار بودم / تب داشتم چون / بیمار بودم (همان، ص ۲۱) او یک معلول خاص را به بقیه علت‌ها عمومیت می‌دهد. مثلاً به نظر او هر چیزی که شیر داد گاو است. در نمونه زیر از این طرز تفکر در طرح چیستان کودکانه درباره «بستنی» استفاده شده است؛ اون چیه که شیرینه و شکر نیست / شیر داره، اما گاو نیست / نرمه ولی پنبه و پشم و پر نیست (رحماندوست، اون چیه که اون کیه که، ۱۳۸۶، ص ۲۵)

۳-۳- گریز از هنجارهای زبان معیار: قطعاً هنجارگریزی از روی ناتوانی با فراهنجاری هنرمندانه تفاوت دارد و گفتار کودک از نوع اول است. باین‌حال برجسته-سازی زبانی شرط کافی برای زیبایی کلام نیست. بلکه رعایت دو اصل «جمال شناسی» و «رسانگی و ایصال» در آن مهم است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸، صص ۱۳ و ۱۴) هنجار-گریزی در سطوح گوناگون قابل بررسی است. مانند:

۳-۳-۱- در مقیاس گنجایش و حجم: کودک برای هر چیزی، گنجایش مادی و حجم قایل است؛ مثلاً در این شعرها به «شادی» مفهوم حجم داده و «باغ و رقص» را هم مانند ظرفی دارای گنجایش دانسته است: دوستی پراز شادی / ... است. (رحماندوست، آسمان هنوز آبی است، ۱۳۸۹، ص ۵) رقصی پر از شادی / در رفتنش دیدم. (همان، ص ۱۸) باغ از باد/ لبریز است. (همو، بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، ص ۱۹)

۳-۳-۲- در مقیاس اندازه گیری: در تفکر کودک، وابسته‌های عددی و واحدهای اندازه‌گیری با هم اشتباه می‌شوند. این ویژگی سبب آفرینش یک سری قیده‌های بدیع در شعر کودک شده است: یک باغ شادی / در سینه دارم. (همو، فصل بهار بنویس، ۱۳۷۹، ص ۱۷) آن پنجره امروز... / یک باغ لبخند است. (همان، ص ۱۲) یا قیده‌های یک کاسه شبنم، یک سبد بوی بهار و... با ساختار وابسته عددی ساخته شده و تعدادشان در اشعار مورد بررسی قابل تأمل است. دایره لغات کودک محدود است ولی می‌تواند با تکرار واژگان، ترکیبات جدیدی بسازد و از آفرینش کلامی خود لذت ببرد. در این شعر «سینه سینه» مقیاس سنجش «شکوفه» و «دسته دسته» برای «جوانه» استفاده شده است: توی خوابم تلاش شیرین بود / دسته دسته جوانه می روید / ... سینه سینه شکوفه می خندید. (همو، آسمان هنوز آبی است، ۱۳۸۹، ص ۱۸)

۳-۳-۳- با افزودن ریتم به موسیقی شعر: در این شعر با شیوه‌ای تازه، به دایره وسیعی از انواع موسیقی و ساختار زبانی منسجم رسیده: به یک، دانه به دانه / که کاشتی توی گلدان / به دو، دوستی دانه / با نم‌های باران / به سه، سر زد از آن خاک / چهار هفته پس از این / به پنج، پنج تا جوانه / و شش برگ پر از چین / ... / به ده، ده تا گل باز /

به یازده ریزه‌ریزه / رسیدی به گل راز / دوازده همه راز است / نگو قصه دراز است / سرش دانه خشک است / و آخر گل ناز است. (رحماندوست، بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، صص ۸۷)

۳-۴- قیاس‌های نامعقول یا تداعی آزاد: کودک با شنیدن کلمات تحت تأثیر «تداعی آزاد» قرار می‌گیرد (امین‌پور، ۱۳۸۶، ص ۴۵) و به «چیزهای مجزا از هم شباهت‌هایی نسبت می‌دهد که اغلب برای بزرگترها بی‌ربط‌اند.» (جینزبرگ، ۱۳۷۱، ص ۱۷۴) در شعر «زود بزرگ می‌شوی» زبان حال کودکی است که غنچه را با تجربه خودش قیاس می‌کند: غنچه خوب و نازنین / چرا چنین نشسته‌ای / ساکت و دل‌شکسته‌ای / ... غنچه ناز، غم مخور... / یک دو سه روز بعد از این / غنچه! تو باز می‌شوی / زود بزرگ می‌شوی / یک گل باز می‌شوی. (همو، فصل بهار بنویس، ۱۳۷۹، ص ۷) شعر مذکور یادآور قیاس نامعقول در داستان طوطی و بازرگان مثنوی مولوی است یا در اشعار زیر، فرزند چیزی بودن را با رابطه‌های نادرستی که با تفکر کودکانه کشف کرده، می‌سازد: غنچه بچه گل‌هاست / میوه، بچه باغ است / قطره بچه دریاست / خانه بچه شهر است / شهر بچه کشور. (همو، پرنده گفت به به، ۱۳۸۴، ص ۲۳)

۳-۵- کاربرد فعل قیاسی: کودک علائم را با تقلید یاد می‌گیرد و از روی قواعد معدودی که یاد گرفته، فعل‌های جدیدی می‌سازد، مانند پریدم به جای پختم؛ یا مانند تو مرا پژمردی / غم من بسیار است. (به نقل از: سلاجقه، ۱۳۸۵، ص ۳۳۹)

۳-۶- تک‌گویی: صحبت کردن برای کودک به خودی‌خود یک تجربه حسّی - حرکتی لذت‌بخش است. آنها اغلب می‌توانند تک‌گویی‌هایی طولانی داشته باشند، بدون آنکه کسی مخاطب آنها باشند. پیاژه آن‌را «تک‌گویی» می‌گوید. (امین‌پور، ۱۳۸۶، ص ۳۶) براین‌اساس، کاربرد راوی اول‌شخص در شعر کودک مناسب است. بسیاری از اشعار مورد بررسی به این شیوه سروده شده‌است: سلام به فصل پاییز / به فصل باغ عریان / ... / سلام به مهر و آبان / به ماه سرد آذر / به میز و تخته و گچ... (رحماندوست، بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، ص ۱۳) یا شعر زیر که زبان حال آب است: آب هستم آب هستم آب پاک

/ جاری‌ام از آسمان تا قلب خاک / گاه ابر و گاه باران می‌شوم / ... (همو، آسمان هنوز آبی است، ۱۳۸۹، ص ۳۲)

۳-۷- پرش‌های ذهنی: کودک تمایل دارد رویدادها را بدون ارتباط بین آنها، صرفاً یکی بعد از دیگری به شیوه گسیخته ردیف کند. گاهی پیوندهای آوایی، باعث تداعی واژگان می‌شود، مانند هیچانه‌ها: تیرچه تبر بیلچه تفنگ، بچه‌ها روش سر می‌خورن / ماهی شکم پر می‌خورن. (رحماندوست، هیچ هیچ هیچانه، ۱۳۸۹، ص ۴۵) در این شعر زبان شعر بدون هیچ ارتباط معنایی و صرفاً با توجه به پرش ذهنی کودکان، از واژگان بیلچه و تفنگ به سوی واژه‌های سرسره و ماهی معطوف می‌شود. همین ویژگی منجر به شگفت‌زدگی و تجربه جدید ذهنی در حوزه خیال برای کودک می‌شود.

۳-۸- عدم درک اسم معنا: کودک تفکر عینی دارد و بالتبع در اشعار کودک اسامی ذات جایگاه برجسته‌تری نسبت به اسم معنا دارد. در مجموعه شعر «ترانه‌های ایمنی» به اسامی ذات توجه ویژه‌ای شده و دیگر عناصر جمله را تحت الشعاع قرار داده است و گاه افعال، به تناسب اسم‌ها، افعال خاص و حرکتی هستند: چاقو تو دست آشپزه / کنتل و شامی می‌پزه / قارچ و هویج خرد می‌کنه / گوجه را پرپر می‌کنه / کنار کنتل می‌ذاره / کارهای دیگه می‌کنه. (رحماندوست، ترانه‌های مامانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸) این ویژگی از محاسن شعر کودک است که در دیگر اشعار مورد بررسی بسامد اندکی دارد، برای شخصیت پر جنب و جوش کودک، افعال ربطی و اسنادی کسالت‌آورند ولی در شعر زیر برای معرفی مشاغل از اسامی ذات و ملموس استفاده شده است؛ معرفی «آرایشگر»: به فکر زیباییه / قیچی داره، شونه داره، تیغ داره. (همو، اون چیه که اون کیه که، ۱۳۸۶، ص ۱۰) یا گاه برای انتقال مفهوم اسم معنا شگردهایی به کار برده می‌شود. مثلاً با تکیه بر تفکر شهودی کودک، اسم معنا مانند شیء فرض می‌شود؛ معرفی مفهوم «شادی»: تق تق، تق تق، بر در زد / بابا از بیرون آمد / رفتم در را وا کردم / شادی را پیدا کردم. (رحماندوست، بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، ص ۵)

۳-۸-۱- عدم درک مفهوم «خواب»: کودکان، بسیاری از اسم‌های غیرمادّی را به صورت جسم تصوّر می‌کنند. مثلاً خواب که حالتی فیزیولوژیک است، آن را حادث یا جسمی می‌دانند که از جایی بر آنها وارد می‌شود؛ خواب آمده مهمانی / بر خانه چشمانت. (رحماندوست، فصل بهار بنویس، ۱۳۷۹، ص ۶) همبازی شب‌های من ... / خواب است او خواب است او. (همان، ۱۳۷۹، ص ۵) شعر «مهتاب لالا» نمونه جذّابی است که مفهوم خواب را تصویرسازی کرده است: گنجشک لالا / سنجاب لالا / آمد دوباره / مهتاب لالا / ... / گل زود خوابید / مثل همیشه / قورباغه ساکت / خوابیده بیشه. (رحماندوست، بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، ص ۲۳)

۳-۹- تفکر دیداری: در فعالیت‌های ادراکی کودک، حسّ بینایی بیشترین سهم را دارد و کاربرد آن در شعر کودک مناسب‌تر است. چون رنگ‌ها در گروه حسّ بینایی قرار دارند، با محاسبه مترادفات آنها بررسی شد؛ واژگان طلایی، تیره، تاریک، حنایی، نقره‌ای به ترتیب در حوزه رنگ‌های زرد، سیاه، سرخ و نقره‌ای قرار گرفته و معلوم شد، به ترتیب به رنگ سیاه، زرد و سبز بیشتر از بقیه رنگ‌ها توجه شده و کاربرد فراوان دو رنگ زرد و سیاه نشان دهنده غفلت شاعر از تأثیر روانی رنگ‌ها در روحیه کودک است زیرا «رنگ زرد هواس‌پرتی... و سیاه نیستی، عدم و... را القا می‌کند. ولی رنگ سبز مطلق، آرام‌بخش‌ترین رنگ‌هاست.» (الیوریوفواری، ۱۳۷۶، صص ۹۸ و ۹۹) بهره‌گیری شاعر از رنگ سبز نکته مثبت سبکی در گزینش رنگ‌هاست. بسامد واژگان حوزه شنوایی هم به صورت آماری بررسی شد. در این بررسی نام اشعار طبق ردیف جدول قبلی است و کلمه‌های موسیقی، بانگ، جیغ و داد، قیل و قال، داد و هوار، فریاد، آهنگ، غوغا در گزینۀ «دیگر موارد» قرار گرفتند. در مقایسه فراوانی واژگان حسّ بینایی و شنوایی معلوم شد، هم تعداد واژگان مربوط به حوزه حسّ بینایی در دایره لغات شاعر گسترده‌تر و هم بهره‌گیری شاعر از آنها حدود ۵۰ درصد بیشتر از واژگان حوزه حسّ شنوایی است. (به جداول مراجعه شود)

جدول (۸): فراوانی واژگان حوزه بینایی

فراوانی	تعداد کتاب مورد بررسی	واژه	ردیف
۲۶	۲۲	رنگارنگ و مترادفها	۱
۳۵	۲۲	دیدن	۲
۲۷	۲۲	چشم	۳
۲۰	۲۲	زرد و طلایی	۴
۱۴	۲۲	سرخ و مترادفها	۵
۲۴	۲۲	سیاه و مترادفها	۶
۷	۲۲	سبز	۷
۱۲	۲۲	سفید	۸
۷	۲۲	آبی	۹
۲	۲۲	دیگر موارد	۱۰
۱۷۴	۲۲	کل	۱۱

جدول (۹): فراوانی واژگان حوزه شنوایی

فراوانی	تعداد کتاب مورد بررسی	واژه	ردیف
۲	۲۲	گوش	۱
۱۴	۲۲	شنیدن	۲
۲۳	۲۲	صدا	۳
۱۵	۲۲	آواز	۴
۷	۲۲	نغمه	۵
۲۹	۲۲	دیگر موارد	۶

۳-۱۰-۱- لذت از تکرار: بازی‌های زبانی در اشعار مورد نظر در سطح نسبتاً وسیعی

قابل تقسیم‌بندی هستند:

۳-۱۰-۱-۱- تکرار صامت: اغلب در ابتدای واژه‌های یک ترکیب یافت شد؛ فکر

فردا. (رحماندوست، من غنچه شدم، ۱۳۶۶، ص ۷)، چشم‌ها چون چشمه، خیال خواب. (همو، چکّه‌چکّه اشک، ۱۳۷۲، ص ۳) گاهی در ساختار شعر با نیازهای کودک هماهنگی دارد؛ ..اتو داغه فیس فیس می‌کنه / لباس منو خیس می‌کنه / ...فیس فیس فیس فیسینا. (همو، هیچ هیچ هیچانه، ۱۳۸۹، ص ۳۴) تکرار صامت «س» صدای بخار اتو را برای کودک تداعی و لذت‌بخش می‌کند. یا: گلدان من امروز / یک شاخه گل داد / ... / گلدان بی‌برگم / امروز شد آباد / از کوشش دیروز / گلدان من گل داد. (پرنده گفت به به، ۱۳۸۴، ص ۱۴) تکرار صامت «گ» و «ش» که بر «صدای فش و صداهای نرم و... آرامش‌بخش دلالت دارد.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵، ص ۲۸) با درونمایه شعر همسو است.

۳-۱۰-۲- تکرار هجاهای کلمه‌مانند: چی چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ / ..

قو قو چاقو (رحماندوست، ترانه‌های مامانی، ۱۳۸۶، صص ۲۳-۲) گاه با آن نام‌های جدید کودکانه ساخته می‌شود: هاپ‌هاپوخان ... موش موشک ناقلا. (همو، من کجا زور کجا، ۱۳۸۶، ص ۲۰)

۳-۱۰-۳- تکرار بخشی از واژگان بی‌معنی: اغلب برای جلب توجه خردسال

و ایجاد پیوند ذهنی او با موسیقی شعر استفاده شده است: السون و ولسون / زمستونه زمستون (همان، ص ۱۸) تق تق تق تاناه / بابا آمد به خانه. (همو، بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، ص ۱۷)

۳-۱۰-۴- تکرار واژه بامعنی: بابا آمد، به به به / مامان خندیدقه قه قه. (رحماندوست،

بابا آمد نان آورد، ۱۳۷۸، ص ۵) دست، دست، دست، دست می‌زنم... / پاپاپا، پا می‌کوبم / ...چرخ چرخ چرخ... (همو، ترانه‌های مامانی، ۱۳۸۶، ص ۳)

۳-۱۰-۵- تکرار اسم در ساختار عمودی شعرمانند: تکرار واژه «عروسک» در شعرزیر: دختری دارم/ کس نداره/... ناز داره وعروسکه/ دختر من عروسکه/... اتل و متل عروسکم قشنگه.(رحماندوست، ترانه‌های مامانی، ۱۳۸۶، ص ۳)

۳-۱۰-۶- تکرار مصرع مانند: انار دونه دونه/ بچه‌ای دارم دردونه/... / انار دونه دونه/... / انار دونه دونه.(همو، ترانه نوازش، ۱۳۸۵، ص ۲۲)

۳-۱۰-۷- تکرار قسمتی از جمله: صدای کفش پاش می‌آد/ صدای کفش پاش می‌گه/ شادی کنید باباش می‌آد.(همان، ص ۱۶)

۳-۱۰-۸- تکرار اسم و نام آوا: اتو داغه فیس فیس می‌کنه/ لباس منو خیس می‌کنه/ چیز چیز چیز دودینا/ فیس فیس فیس فیسینا/ چروک لباس فوتینا.(همو، هیچ هیچ هیچچانه، ۱۳۸۹، ص ۳۴) این مورد به علت بسامد زیاد، به صورت آماری بررسی شد و نشان دهنده توجه شاعر به بازی‌های زبانی است.

جدول (۱۰): تکرار اسم و نام آوا

ردیف	ویژگی زبانی	تعداد کتاب مورد بررسی	فراوانی
۱	تکرار واژه	۱۹	۸۳۲
۲	نام آوا	۱۹	۹۲

۳-۱۰-۹- جناس مانند: بزبزی را می‌کشی/ تو کوچه‌ها می‌کُشی.(همو، من کجا زور کجا، ۱۳۸۶، ص ۱۶) من کفتری بودم/ پرباز می‌کردم/ تا خانه خورشید/ پرواز می‌کردم.(همو، آسمان هنوز آبی است، ۱۳۸۹، ص ۱۳)

۳-۱۰-۱۰- قیده‌های تکرار یا ترکیب‌های دوگانه شمارشی: بزن بزن، بخور بخور (همو، ماست و خروس و کدخدا، ۱۳۷۹، ص ۸) تک تک، کم کم، نم نم، لابه لا، نرم نرمک.(همو، پرنده گفت به به، ۱۳۸۴، صص ۲۲-۲)

۳-۱۰-۱۱- قیدها و صفات نو: نوعی قید و صفت به شیوه بدیعی که محصول تفکر و زبان کودکان است. معمولاً کودک برای بیان کثرت چیزی، آن را دوبار تکرار

می‌کند: جیک جیکی کن برایم / تا زود زود بیایم / تنهایِ تنها هستم، دو چشم ریزِ ریزداشت. (رحماندوست، صدای ساز می آید، ۱۳۸۶، صص ۱۵-۲) پاکِ پاک ، دور دور، قهرِ قهر، بالایِ بالا. (همو، پرنده گفت به به، ۱۳۸۴، ص ۵)

۳-۱۱- توضیح چیزها با صفات آن: از نظر کودک گاو جانوری است که شاخ دارد (ویگوتسکی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۶) مانند: اون چیه که شیرینه و شکر نیست / شیر داره، اما گاو نیست / نرمه ولی پنبه و پشم و پر نیس. (رحماندوست، اون چیه که اون کیه، ۱۳۸۶، ص ۲۵)

۳-۱۲- عدم درک مفهوم عدد: اعداد به نظر کودک جنبه جسمی دارد. به همین دلیل اعداد را بی معنی شمارش می‌کند. (امین پور، ۱۳۸۶، صص ۶۵-۳۵) ولی در اشعار مورد بررسی به این ویژگی ذهنی کودک توجه نشده و تفکر بزرگسالانه در آن نمایان است: نوشتم: یک دو سه تا ده / حساب ما چه آسان است... / نوشتم: ده و ده شد بیست. (رحماندوست، دوستی شیرین است، ۱۳۸۱، ص ۱۳)

۳-۱۳- شروع بی مقدمه: کودک با تفکر خودمیان بین دیگران را هم درگیر ماجراهای خود می‌داند. مثلاً، گاه بدون پیش زمینه شعر را این طور شروع می‌کند: این ورو بگرد / ندیدم / اون ورو بگرد / ندیدم / کجایی کلک... (همو، هیچ هیچ هیچانه، ۱۳۸۹، ص ۴۸) راوی در ابتدای امر اشاره نکرده که دنبال چه کس یا چه چیزی می‌گردد و شنونده را از قبل درگیر ماجرا می‌داند. یا : گریه نمی‌کنم دیگه / مامان برام گل می‌خره / ... (همو، ترانه‌های مامانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)

نتیجه‌گیری

برپایه بررسی انجام شده، در این پژوهش تناسب شعر کودک با نیاز کودک شامل هیجان‌انگیزی، شادی‌آفرینی، کاربرد طنز کودکانه، فانتزی، بازی‌های زبانی، مضامین ملموس، عناصر بومی، واقع‌گرایی، ترجیح لذت و تخیل است و هرکدام به نوبه خود اهمیت دارند ولی گزینه ترجیح لذت بر آموزش نقش محوری در شعر ناب کودک دارد و ضروری است که به طور جدی در آسیب‌شناسی شعر کودک معاصر بدان پرداخته

شود. با توجه به محدودیت‌های زبانی و نیازهایی که ذکر شد، دیگر عناصر شعری هم مانند: وزن، درونمایه، خیال و ساختار هم به یاری زبان کودکان می‌آیند و زبان شعر کودک به سطح زبان هنری و ناب اعتلا می‌یابد. با توجه به بررسی‌های آماری و نسبی انجام شده، اشعار مورد بررسی در رسیدن به این نوع شعر رویکرد متوسطی دارند. البته هدف از این پژوهش به دست آوردن کلیشه‌های شاعر خاص نیست، بلکه شناخت بعضی از مختصات شعر ناب در اشعار مورد بررسی است.

شعر کودک دو جنبه قابل پژوهش دارد: یکی تناسب با نیاز کودک و دیگری، توجه به امکانات زبانی کودک. اشعار مورد بررسی از نظر تناسب با نیازهای کودک، در برخی موارد قدرتمند است؛ از نظر ریتمیک، از زبان شاد بهره برده و از نظر فراوانی واژگان حوزه شادی، هم از واژه «خنده» و وابسته‌های آن حدود سه برابر بیش از واژه «گریه» و وابسته‌های آن بهره برده است. توجه به نیاز «بازی» که نمود قوی آن در بهره‌گیری از بازی‌های زبانی است؛ بازی‌های زبانی در اشعار گروه سنی «الف» بیشتر رعایت شده است. بهره‌گیری از «مضامین ملموس» و توجه به واژگان بومی - فرهنگی ایران از دغدغه‌های شاعر در سرودن است. توجه به «ترجیح لذت بر آموزش» و ترجیح «تخیل بر تعقل» البته مورد اخیر با توجه به احتساب آنها در بهره‌گیری از تصویرآفرینی‌های کودکان و پرداختن به لالایی‌ها قوی است. ولی برخی گزینه‌های مورد بررسی، نسبتاً ضعیف است. در مورد «هیجان‌انگیزی» نمونه شاخصی یافت نشد. از نظر بسامد واژگان حوزه شادی، واژه‌های «غم» بیش از واژگان متضاد آن یعنی «شادی» تکرار شده است. در بهره‌گیری از زبان «طنز» و موجودات «فانتزی» نمونه‌های کمی یافت شد با این حال گاهی بهره‌گیری از زبان عامیانه، بازی‌های زبانی و هیچانه‌ها و ورود شخصیت‌های طنزآلود، شعر را طنزگونه کرده است. از نظر فراوانی واژگان حوزه تخیل، بهره‌گیری اشعار از واژگان «آرزو» و «خیال» کمرنگ و واژه «کاشکی» در حد متوسط تکرار شده است. البته کاربرد واژه «آرزو» با زبان معیار و واژه «کاشکی» با زبان کودکان سنخیت دارد.

اشعار مصطفی رحماندوست در بهره‌گیری از برخی امکانات زبانی کودک قوی است. مثلاً گزینه «توصیف چیزها با صفت کلی خوب»، نمونه نسبتاً زیادی در اشعار ایشان دارد به طوری که واژه «خوب» در ۲۱ کتاب مورد بررسی ۴۱ بار تکرار شده است. گریز از هنجارهای زبان معیار سبب خلق ترکیبات جدیدی شده؛ ترکیباتی مانند «یک باغ لبخند».

«افزودن ریتم» شاخص‌ترین موردی بود که یافت شد. بسیاری از اشعار رحماندوست به شیوه تک‌گویی با خود سروده شده است. توجه به «تفکرپذیری» به طوری که از واژگان حوزه بینایی نزدیک به دو برابر واژگان حوزه شنوایی استفاده کرده است. توجه به «لذت از تکرار»، تا جایی که واژه‌ها و نام‌آواها در ۱۹ کتاب مورد بررسی ۹۲۴ بار تکرار شده و تکرارهای یافت شده در سطح وسیعی تقسیم‌بندی شد. توجه به «عدم درک اسم معنا» در شعر مهتاب لالا شاعر با زبان موجز و کودکانه خواب را تصویرسازی کرده است؛ ولی اشعار موردنظر در کاربرد برخی امکانات زبانی کودک، ضعیف عمل کرده است؛ مانند: توجه به ساخت «افعال قیاسی» کودکانه، توجه به ویژگی فکری «عدم درک رابطه علت و معلول»، «پریش ذهنی و گسستگی فکری» در هیچ‌کدام یافت شد. درحالی که ظرفیت بهره‌گیری از آن در بقیه اشعار هم وجود دارد. هرچند کودک درک درستی از «مفهوم عدد» ندارد ولی به این ویژگی فکری توجه نشده است.

منابع و مأخذ

الف- کتابها

- ۱- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۶)، شعر و زندگی، چاپ دوم، تهران، نشر مروارید.
- ۲- الیوریوفراری، آنا (۱۳۷۶)، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، تهران، انتشارات دستان.
- ۳- بهداد، بهاره (۱۳۸۵)، عامل پیوند کودکان دنیا، تهران، انتشارات سوره مهر.
- ۴- جینزبرگ، هربرت و سیلویا اوپر (۱۳۷۱)، رشد عقلانی کودک از دیدگاه پیاز، تهران، انتشارات فاطمی.

- ۵- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵)، ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها، تهران، انتشارات روشنگران .
- ۶- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۹)، آسمان هنوز آبی است، تهران، انتشارات محراب قلم.
- ۷- ----- (۱۳۸۶)، اون چیه که اون کیه که، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۸- ----- (۱۳۷۸)، بابا آمد نان آورد، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۹- ----- (۱۳۸۴)، پرنده گفت به به، تهران، انتشارات محراب قلم، کتاب‌های مهتاب .
- ۱۰- ----- (۱۳۸۵)، ترانه‌های ایمنی، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۱- ----- (۱۳۸۵)، ترانه‌های نوازش، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۲- ----- (۱۳۸۱)، دوستی شیرین است، چ ۵، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۱۳- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۹)، صدای ساز می‌آید، تهران، انتشارات محراب قلم.
- ۱۴- ----- (۱۳۷۹)، فصل بهار بنویس، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۵- ----- (۱۳۸۹)، ماست و خروس و کدخدا، تهران، انتشارات محراب قلم.
- ۱۶- ----- (۱۳۸۶)، من کجا و زور کجا، تهران، انتشارات مدرسه.

- ۱۷- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۵)، سگی بود و جنگلی بود، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۸- ----- (۱۳۶۹)، هر پرنده قصه‌ای است، تهران، نشر خانه آفتاب.
- ۱۹- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۷)، ارسطو و فن شعر، تهران، نشر امیرکبیر.
- ۲۰- سلاجقه، پروین (۱۳۸۵)، از این باغ شرقی، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲۱- سیدآبادی، علی اصغر (۱۳۸۰)، شعر در حاشیه، تهران، ویژه نشر.
- ۲۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، چ ۲، تهران، نشر آگاه.
- ۲۳- صادقیان، نبی‌الله و اسدالله شعبانی (۱۳۸۶)، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، تهران، نشر توکا.
- ۲۴- فضیلت، محمود (۱۳۸۶)، زبان و ادبیات کودک و نوجوان، کرمانشاه، انتشارات طاق بستان.
- ۲۵- قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۸۳)، ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۶- گروه شاعران (۱۳۷۱)، برگزیده شعر کودکان، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری.
- ۲۷- ----- (۱۳۷۲)، چکه چکه اشک، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- ۲۸- ----- (۱۳۶۶)، من غنچه شدم، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- ۲۹- ----- (۱۳۸۹)، هیچ هیچ هیچانه، تهران، نشر افق.
- ۳۰- ----- (۱۳۸۸)، ترانه‌های مامانی، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۳۱- ----- (۱۳۸۵)، شعر دعا، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۳۲- گروه شاعران (۱۳۸۵)، بازی، بازی، بازی، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۳۳- ----- (۱۳۸۵)، ترانه‌های خواب و خیال، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۳۴- محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸)، فانتزی در ادبیات کودکان، تهران، نشر آگاه.

۳۵- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳)، واژه‌نامه شاعری، تهران، انتشارات مهناز.

۳۶- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵)، فرهنگ نام‌آوایی فارسی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

۳۷- ویگوتسکی، ل.س (۱۳۶۱)، روان‌شناسی تصوّر و بیان، ترجمه احمد صبوری، تهران، انتشارات نوین.

ب- مقالات

۱- ارمغان، علی (۱۳۸۵)، «صورخیال در شعر رحماندوست»، پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۴۶-۴۵، صص ۲۳۷-۲۲۲.

۲- چناری، امیر (۱۳۷۵)، «شعر ناب»، شعر، ش ۲۰، صص ۲۷-۲۲.

۳- حجوانی، مهدی (۱۳۸۶)، «درآمدی بر زیبایی‌شناسی ادبیات کودک»، پژوهش-نامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۵۱، صص ۴۸-۲۴.

۴- سیدآبادی، علی اصغر (۱۳۸۵)، «تاریخ امروز ادبیات کودک»، پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۴۷، صص ۴-۲.

۵- طاووسی آرانی، طیبه (۱۳۸۳)، «جریان‌های حاشیه‌ای شعر معاصر»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۷۲، صص ۵۳-۴۵.

۶- علی‌پور، منوچهر (۱۳۷۹)، «برخی شاعران به سبک مشخصی نزدیک شده‌اند»، پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، ش ۲۰، صص ۵۷-۵۵.

۷- موسویان، انسیه (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی لینگالینگاددی»، کتاب ماه کودک و نوجوان، صص ۵۶-۵۳.